مطالعات محیطی هفت حصار شماره چهل‌وششم/ سال دوازدهم/ زمستان ۱۴۰۲
صفحات ۱۰۶-۹۷

مدل تحلیلی کرنولوژیک دگردیسی طراحی شهری در ایران

مریم فراهانی*، آیدا اسماعیلزاده سیلابی**

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۴/۱۷
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۶/۲۲

مقاله پژوهشی- مورد پژوهی

©: IAUH

ISSN: 2322-5602

چکیده

این پژوهش با هدف ارائه مدل تحلیلی- کرنولوژیک از دگردیسی طراحی شهری معاصر در ایران، یعنی از زمان نفوذ گسترده تفکر و ادبیات طراحی شهری غربی به ایران به بعد (حدود دهه ۱۳۱۰ ه.ش.، همزمان با تصویب مجدد قانون بلدیه) شکل گرفته است. با این هدف، این مطالعه با روش فرا تحلیل و تحلیل محتوا به بررسی آثار نظری متقدم و متاخر طراحی شهری در ۵۰ سال ادبیات رشته پرداخته است و، ۸ قلمرو: هدف، مقیاس، تخصص پایه، گستره مداخله، فرایند، روش، محصول و حوزه تصمیم سازی را به عنوان پرتاکید ترین مباحث مورد تردید (چالشی) از لحاظ کمی و کیفی در ادبیات طراحی شهری تشخیص می‌دهد. سپس با روش تحلیل محتوا، شاخص‌های مذکور را در ۳ قلمرو قوانین و مقررات، پروژه‌های طراحی شهری و مرتبط با آن و آراء خبرگان، در ایران، تحلیل کرده و به این نتیجه می‌رسد که طراحی شهری کنونی ایران از بعد معرفت شناختی، هدفی: بصری- عملکردی، مقیاسی: خرد و منطقه ای، تخصص پایه ای: معماری- برنامه ریزی، گستره نفوذ: عدم مداخله تا مداخله در ساختارهای اصلی و از بعد روش شناختی، فرایندی: خردگرا تا بازخوردی- راهبردی، روشی: فرد گرا، محصولی: قطعی، و حوزه تصمیم سازی آن، بخش دولتی می‌باشد. بنابراین فاصله‌ای آشکار با ادبیات معاصر طراحی شهری، در آن تشخیص داده می‌شود.

واژگان کلیدی

طراحی شهری معاصر ایران، مدل کرنولوژیک، قوانین و مقررات، پروژه

* استادیار گروه طراحی شهری دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر تهران، تهران (نویسنده مسئول) m.farahani@art.ac.ir
** دانشگاه تهران، دانشکده‌های کشاورزی و منابع طبیعی، دانشکده علوم و مهندسی کشاورزی، گروه علوم باغبانی و فضای سبز aida.seilabi@ut.ac.ir

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-28]

مقدمه

بر مبنای فالودی که اشاره می‌کند که برنامه ریزان با دو نوع مساله روبرو می‌شوند: یکی مساله‌هایی مربوط به شناخت بهتر آنچه درباره‌اش برنامه‌ریزی می‌کنند (مباحث معرفت شناختی یا ماهوی[1]) و دوم مساله‌های مربوط به شیوه برنامه ریزی، فارغ از موضوع آن(مباحث روش شناختی یا رویه‌ای[2]) و به همین دلیل ۲ نوع نظریه برنامه‌ریزی می‌توان پیش‌بینی کرد (اول، نظریه جوهری یا موضوعی که به جوهره و موضوع برنامه ریزی می‌پردازد و دوم نظریه فرایند یا روشی که به شیوه‌هایی می‌پردازد که برنامه ریزان برای انجام وظیفه مورد استفاده قرار می‌دهند (اجلالی و دیگران، ۱۳۹۰: ۵۹، به نقل از فالودی، ۱۹۷۳)، تفکیک طراحی شهری به ۲ حوزه غیر قابل تفکیک معرفت شناختی و روش شناختی، از آن جهت مناسب تشخیص داده شده است که تحلیل چالش‌های طراحی شهری معاصر ایران، از طریق بررسی مولفه‌های آن امکان‌پذیرتر می‌گردد. بر این مبنا و با این پیش فرض که طراحی شهری معاصر ایران دارای کاستی‌های غیرقابل انکار در هر ۲ حوزه است و مهمترین عینیت مستدل آن، فضا/ مکان نامناسب شهرهای ایرانی است (در حالیکه شمارگان ادبیات مرتبط با طراحی شهری در ایران در سال‌های اخیر رشد قابل توجهی داشته است(De Jorge-Huertas & De Jorge-Moreno, 2022). به نظر می‌رسد بنیادی‌ترین گام در راه اصلاح وضع موجود، تشخیص چالشهای آن و تحلیل رابطه این چالش‌ها با ادبیات متقدم و متاخر نظری و عملی رشته باشد. بنابراین این مطالعه در پی تدوین این چالش‌ها در حوزه نظری، است تا بر مبنای آن، گامهای اصلاحی یا تدقیقی به گونه‌ای علمی و عملی، قابل تبیین باشد. آنچه این پژوهش با عنوان "چالش"، دنبال می‌کند، در فرهنگ فارسی معین (۱۳۸۳)، سه معنی برای آن آورده شده است: ۱. رفتن با ناز و خرام، جولان ۲. مباشرت، جماع ۳. زد وخورد، جنگ و جدال. سپس فعل چالش‌کردن، به زد وخوردکردن و جنگ‌وجدال‌کردن معنی می‌شود[3]. در فرهنگ وبستر[4] (۱۹۶۸) ذیل واژه چلنج[5]، دو معنی ذکر شده است[6]: ۱. نافرمانی، تمرد، اعتراض[7]. ۲. دعوت به مبارزه، مبارزه‌طلبی[8]. اما فرهنگ لغات[9] (۱۹۹۳)، این واژه را چنین معنی کرده است[10]: ۱. وضعیت و پدیده‌ای جدید و دشوار که مواجهه با آن تلاشی سخت و تعیین‌کننده را ایجاب کند و ۲. در حالت مصدری، به معنی زیرسوال‌کشیدن و ایجاد تردید در امری است از جنبه حقیقت، ارزش یا قدرت و توان آن. با این مقدمه می‌توان گفت: این پژوهش در پی یافتن" تردیدهای" طراحی شهری ایران از بعد معرفت شناختی (جوهره یا موضوع، آنچه که بدان پرداخته می‌شود) و روش شناختی (فرایندها و روش‌های دستیابی به یک موضوع)، در مقایسه با چالش‌های ادبیات ۵۰ سال اخیر دنیا، در دوره زمانی معاصر یعنی از زمان نفوذ گسترده تفکر و ادبیات طراحی شهری غربی به ایران (حدود دهه ۱۳۱۰ ه.ش.، همزمان با تصویب مجدد قانون بلدیه (۱۳۰۹ ه.ش.)، قانون تعریض خیابانها (۱۳۱۲ ه.ش.) و قانون توسعه معابر (۱۳۲۰ ه.ش.)، به بعد) است.

روش تحقیق

روش تحقیق، ترکیبی از روش کیفی فرا تحلیل و روش کمی تحلیل محتوا می‌باشد. بدین گونه که ابتدا با تحلیل محتوای آثار معرفی شده توسط کات برت (۲۰۰۷)، به عنوان ادبیات تاثیرگذار طراحی شهری ۵۰ سال اخیر (جدول ۲)، ۸ حوزه هدف، مقیاس، تخصص پایه، گستره مداخله، فرایند، روش، محصول و حوزه تصمیم سازی را، در قلمرو درون مساله‌ای (ابعادی که از درون رشته طراحی شهری، بر آن اثر می‌گذارند) و ۳ حوزه مدیریتی- حقوقی، سرمایه گذاری- اقتصادی و سیاسی- مدنی را، در قلمرو برون مساله‌ای (ابعادی که از محیط و شرایط خارجی، بر رشته تاثیر می‌گذارند) به عنوان ابعاد چالشی اصلی مورد توجه طراحان شهری شناسایی می‌کند (نمودار ۱). و جهت تحلیل و تبیین مدل دگردیسی طراحی شهری معاصر ایران، این ۸ حوزه را به توجه به ادبیات معاصر طراحی شهری معاصر غرب، به تدقیق و تناظر می‌کشاند. در قلمرو ابعاد درون مساله ای، هدف به آنچه که طراحی شهری، نهایتا در پی حصول آن است، می‌پردازد. مقیاس، به وسعت محدوده‌ای مورد مداخله طراحی شهری، تخصص پایه، به تخصص هدایت کننده یا راهبر رشته، حوزه نفوذ، به حوزه‌ای که طراحی شهری مجوز دخالت در آن را دارد، محصول، به نتیجه نهایی یا خروجی، فرایند، به روش طراحی و تهیه پروژه از ابتدا تا ارائه محصول به کارفرما، روش، به مجموعه‌ای از امور تشخیص، تصمیم، انتخاب حوزه تصمیم سازی، ارائه محصول، تصویب، اجرا، کنترل و مدیریت، و تصمیم گیری، به نهادها و شاخه‌هایی که تصویب، اجرا و کنترل را در اختیار دارند، می‌پردازند. در قلمرو ابعاد برون مساله ای، که منتج از محیط و شرایط جامعه‌ای است که نظر و عمل طراحی شهری در آن شکل می‌گیرد، مدل دگردیسی بر مبنای آراء صاحب‌نظران در ۳ حوزه اجتماعی- مدنی، اقتصادی- سرمایه گذاری و حقوقی- مدیریتی شناسایی شده است.

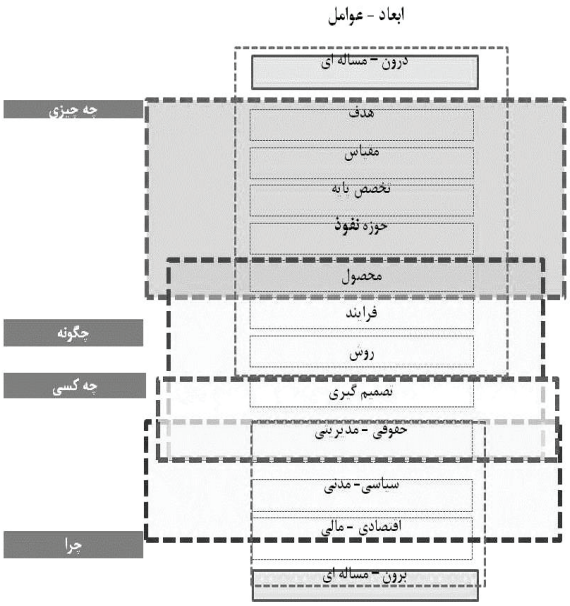
جدول ۱- ۵۰ سال ادبیات موثر طراحی شهری. ماخذ: Cuthbert, 2007

نویسنده	سال نشر	کتاب
Chermayeff and Alexander	۱۹۶۰	Community and Privacy
Lynch	۱۹۶۰	Image of the City
Rapoport	۱۹۷۷	Human aspects of Urban Form
Venturi et al	۱۹۷۷	Learning from Las Vegas

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-28]

نویسنده	سال نشر	کتاب
Mumford	۱۹۶۱	The City in History
Jacobs	۱۹۶۱	The Death and Life of Great American Cities
Cullen	۱۹۶۱	Townscape
Halprin	۱۹۶۳	Cities
Buchanan	۱۹۶۳	Traffic in Towns
Webber	۱۹۶۴	The urban place and the nonplace urban realm
Rudofsky	۱۹۶۴	Architecture without Architects
Spriergen	۱۹۶۵	Urban Design; Architecture of Towns and Cities.
Bacon	۱۹۶۷	The Design of Cities
McHarg	۱۹۶۹	Design with Nature
Rudofsky	۱۹۶۹	Streets for People
Sommer	۱۹۶۹	Personal Space
Halprin	۱۹۶۹	The RSVP Cycles
Proshansky et al	۱۹۷۰	Environmental Psychology
Lynch	۱۹۷۱	Site Planning
Newman	۱۹۷۳	Defensible Space
Banham	۱۹۷۳	The Architecture of Four Ecologies
March and Steadman (1971)		The Geometry of Environment

نویسنده	سال نشر	کتاب
Alexander	۱۹۷۷	The Pattern Language
Rowe and Koetter	1984	Collage City
Norberg-Schultz	۱۹۷۹	Genius Loci
Krier	۱۹۷۹	Urban Space
Lynch	۱۹۸۱	A Theory of Good City Form
Barnett	۱۹۸۲	An Introduction to Urban Design
Hillier and Hanson	۱۹۸۴	The Social Logic of Space
Trancik	۱۹۸۶	Finding Lost Space
Alexander	۱۹۸۷	A New Theory of Urban Design
Broadbent	۱۹۹۰	Emerging Concepts in Urban Space Design
Katz	۱۹۹۴	The New Urbanism
Lang	۱۹۹۴	Urban Design: The American Experience
Hillier	2007	Space is the Machine
Ellin	۱۹۹۶	Postmodern Urbanism
Gehl	۱۹۹۷	Life Between Buildings
Madanipour	۱۹۹۶	Design of Urban Space
Dovey	2014	Framing Places
Gosling	۲۰۰۲	The Evolution of American Urban Design



تصویر ۱- تفکیک حوزه‌های چالشی برون مساله‌ای و درون مساله‌ای طراحی شهری بر مبنای استنتاج از ادبیات موثر ۵۰ سال اخیر

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-28]

یافته‌های تحقیق

خاستگاه اولین چالشهای نظری معرفت شناختی و روش شناختی رشته، به مشاهده معضلات شهرسازی مدرنیست (Monclús & Díez Medina, 2018; Mumford, 2018; Monclús et al., 2018)، بازمی‌گردد با این حال بررسی‌ها نشان می‌دهد که از دهه ۷۰ میلادی (Schrijver, 2016; Danneels, 2018; Rhee, 2021; Woods, 2021) به بعد است که به تدریج، چارچوب‌های نظری معرفت شناختی طراحی شهری (اثباتی[11] یا هنجاری[12]) طبقه بندی وسیعی از آنچه طراحی شهری بدان پرداخته و یا باید بدان بپردازد (Townshend, 2020; Lee, 2021)، ارائه می‌دهد (گوسلینگ[13] (۱۹۶۴)، رولی[14] (۱۹۹۴) و الین[15] (۱۹۹۶)، کرمونا (۲۰۰۳، ۲۰۰۶، ۲۰۰۷)، بنتلی (۱۹۹۰، ۲۰۰۰، ۲۰۰۴)، مدنی‌پور (۱۹۹۶، ۲۰۰۶)، جیکوبز (۱۹۶۱) و نیز چارچوب‌های نظری روش شناختی، در ۲ حوزه درون رشته‌ای (Cowan, 2002) و برون رشته‌ای (Lang: 2005, Applyard:1982) تبیین می‌گردند. این مطالعات در ۴ حوزه قابل ارزیابی هستند. حوزه اول از جمله مطالعات سیته (۱۸۸۹)، کالن (۱۹۶۱)، زوکر (۱۹۵۹)، روسی (۱۹۸۲)، اشتاین (۱۹۵۵)، بارنت (۱۹۸۲)، ریبا (۱۹۷۲)، بنهام (۱۹۷۶)، اکسمن (۱۹۸۷) به تبیین تک بعدی ماهوی- اثباتی رشته می‌پردازد. حوزه دوم به چارچوب سازی ترکیبی با ساختاری ماهوی- اثباتی می‌پردازد. کات برت (۲۰۰۷)، تاثیرگذارترین این مطالعات را، کلاژ سیتی[16] (Row & Koetter, 1979)، مفاهیم طراحی شهری[17] (Gosling & Maitland, 1984)، یافتن فضای گمشده[18] (Trancik, 1986) و ظهور ایده‌ها در طراحی فضای شهری[19] (Broadbent,1990)، ارزیابی می‌کند. حوزه سوم، طراحی شهری برتر یا تجویزی را معرفی می‌کنند که کاتبرت، تئوری شکل خوب شهر[20] (Lynch, 1981)، فضای شهری[21] (Rob Krier, 1979)، تئوری جدید طراحی شهری[22] (Alexander, 1987) و منطق اجتماعی فضا[23] (Hillier & Hanson, 1984)، را اصلی ترین آنها می‌داند و حوزه آخر، مطالعاتی میانی (ترکیبی از مطالعات هر ۳ حوزه) توسط صاحبنظرانی چون لینچ (۱۹۸۱) و ترانسیک (۱۹۸۶) ارائه می‌شود که به تحلیل طراحی شهری از طریق مولفه‌ها و ابعاد کیفی آن می‌پردازد (جدول ۱).

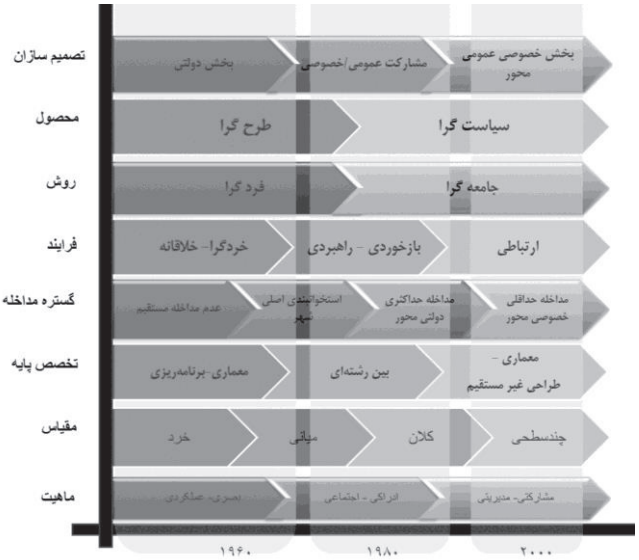
جدول ۲- گونه شناختی مطالعات معرفت شناختی و روش شناختی طراحی شهری

تمرکز حوزه نظری	صاحب نظران
ماهوی – اثباتی	Sitte,1889- Cullen, 1961- Zuker,1959- Rossi, 1982- Stein, 1955- Barrent, 1982- Benham,1976- Oxman, 1987, so on
ماهوی- اثباتی – ترکیبی	Row & Koetter, 1979, Gosling & Maitland, 1984 ,Trancik, 1986 ,Geoffrey Broadbent,1990, so on
ماهوی- هنجاری	Lynch, 1981, Rob Krier, 1979, Christopher Alexander, 1987 , Bill Hillier and Julienne Hanson, 1984, so on
ماهوی- اثباتی- هنجاری	Jacobs, 1961- Lynch, 1981- Violich, 1983- Trancik, 1986- Coleman, 1988- The Prince of Wales, 1989- Southworth, 1989- Tibbalds, 1990- Greene, 1992- Goodey, 1993- LPAC, 1993- PMUDTF, 1994- Haughton & Henter, 1994, so on

در قلمرو ابعاد درون مساله ای، طبقه بندی محتوایی و کرنولوژیک این ۸ حوزه، با توجه به روند دگردیسی معرفت شناختی و روش شناختی طراحی شهری، در ادبیات معاصر(قلمرو درون رشته ای)، نشان می‌دهد که در قلمرو معرفت شناختی: در حوزه هدف، دگردیسی از آرمانی بصری - عملکردی به ادراکی - اجتماعی و سپس به مدیریتی- مشارکتی، در حوزه مقیاس، دگردیسی از مقیاس خرد، به میانی، کلان و سپس چند سطحی، در حوزه تخصص پایه، دگردیسی از معماری- برنامه ریزی، به میان رشته‌ای و سپس به طراحی غیر مستقیم، در حوزه گستره مداخله، دگردیسی از عدم مداخله تا مداخله در ساختارهای اصلی، و سپس مداخله حداکثری دولت در تمامی وجوه و در نهایت به مداخله حداقلی دولت با محوریت بخش خصوصی، انجامیده است. در بعد روش شناختی نیز، در حوزه فرایند، دگردیسی از روندی خردگرا- خلاقانه، به فرایند بازخوردی- راهبردی و سپس به فرایند مشارکتی- مدیریتی، در حوزه روش، دگردیسی از فردگرایی به جامعه گرایی، در حوزه محصول، دگردیسی از قطعی گرایی به سیاست‌گرایی و در حوزه تصمیم سازی، دگردیسی از بخش دولتی، به مشارکت دولتی - خصوصی و در نهایت به محوریت بخش خصوصی انجامیده است.

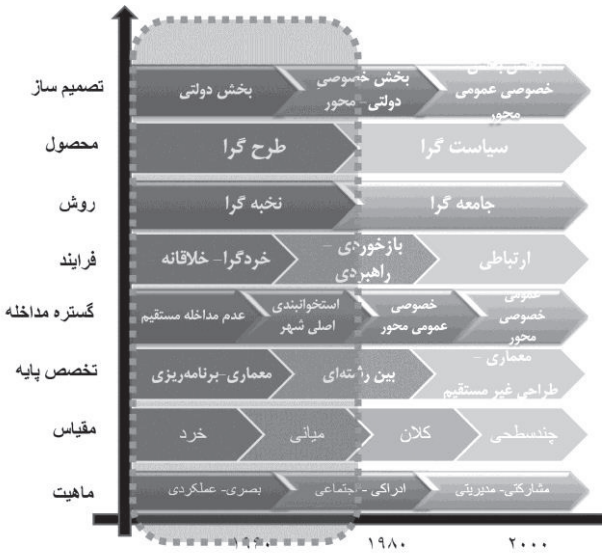
مطالعه کرنولوژیک یافته‌ها نیز همانطور که در نمودار شماره ۲ نشان داده شده است، بیانگر این مطلب است که دگردیسی در هر ۸ حوزه مزبور، در بازه‌های زمانی تقریبا یکسانی صورت گرفته است. برای نمونه می‌توان دید که در بازه زمانی که که هدف طراحی شهری، بصری- عملکردی است، مقیاس آن، مقیاسی خرد تا میانی، تخصص پایه آن معماری- برنامه ریزی، گستره مداخله آن، عدم مداخله مستقیم تا مداخله در استخوان‌بندی اصلی شهر، فرایند آن، خردگرا- خلاقانه، روش آن، فردگرایی، محصول آن، قطعی، و تصمیم سازی آن توسط بخش دولتی انجام شده است (نمودار شماره ۲).

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-28]

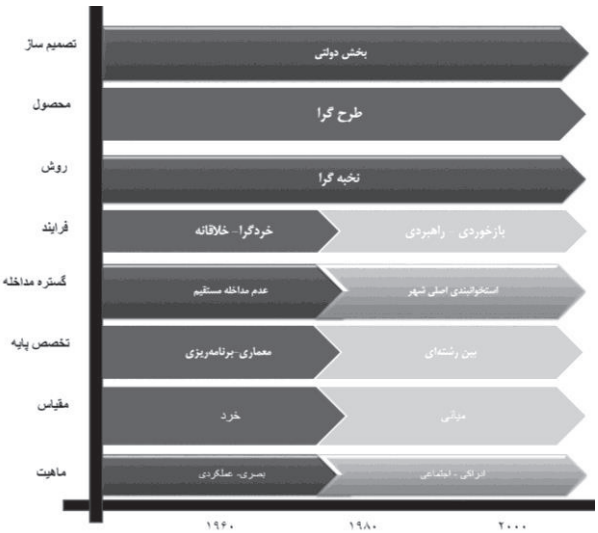


تصویر ۲- مدل تحلیلی/ کرنولوژیکی دگردیسی چالش‌های معرفت شناختی و روش شناختی طراحی شهری، در ادبیات معاصر

تدقیق و تناظر ۸ حوزه شناسایی شده درون مساله‌ای (هدف، مقیاس، تخصص پایه، گستره مداخله، فرایند، روش، محصول و تصمیم سازی)، در ۳ قلمرو قوانین و مقررات، پروژه‌های طراحی شهری و مرتبط با آن و آراء خبرگان، در ایران، با روش تحلیل محتوا نشان می‌دهد که طراحی شهری کنونی ایران از بعد معرفت شناختی، هدفی: بصری – عملکردی، مقیاسی: خرد و منطقه ای، تخصص پایه ای: معماری – برنامه ریزی، گستره نفوذ: عدم مداخله تا مداخله در ساختارهای اصلی و از بعد روش شناختی، فرایندی: خردگرا تا بازخوردی –راهبردی، روشی: فرد گرا، محصولی: قطعی، و حوزه تصمیم سازی آن، بخش دولتی می‌باشد (نمودار شماره ۳ و۴). بنابراین از لحاظ تحلیل کرنولوژیکی، همزمان با ادبیات طراحی شهری دهه‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ قرار دارد.



تصویر ۳- ابعاد معرفت شناختی و روش شناختی طراحی شهری معاصر ایران



تصویر ۴- رابطه ابعاد معرفت شناختی و روش شناختی طراحی شهری معاصر ایران و ادبیات ۵۰ سال اخیر

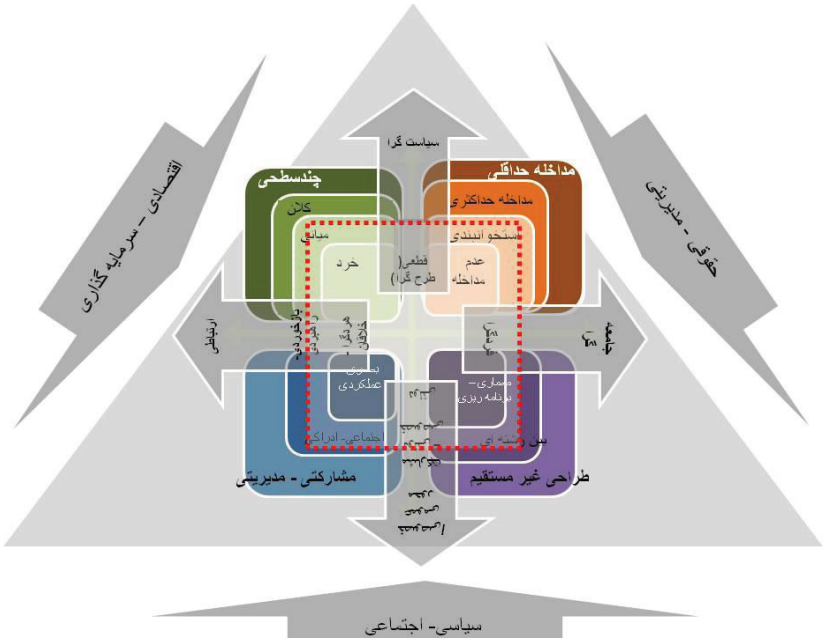
در قلمرو ابعاد برون مساله ای، در حوزه اجتماعی–مدنی با تحلیل مطالعات صاحبنظرانی چون لنگ(۲۰۰۵)، مدنی پور (۱۹۹۶)، کرمونا (۲۰۰۳)، رولی (۱۹۹۴)، کات برت (۲۰۰۷) و.... با پیشگامی اندیشه ورزانی، از قبیل کاستلز (۱۹۷۳) و لفور (۱۹۹۶–۱۹۹۱)، تاثیر شرایط اجتماعی–سیاسی، بر رویه طراحی شهری، از چند بعد قابل ذکر است: از یک سو، چگونگی ارتباط قدرت و مردم، که بر عواملی همچون میزان مداخله،

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-28]

نظارت و کنترل اجتماع بر تصمیم سازی و تصمیم گیری طراحی شهری موثر است. از سوی دیگر، با تعیین میزان: حق شهروندی، در ساختارهای مداخله، نظارت و کنترل، قلمروهای خصوصی و عمومی در ساختار جامعه- محیط، قوانین و نهادهای مدیریتی در ساختارهای حقوقی، و سطوح کلان سیاستی در ساختارهای ملی و فراملی، بر طراحی شهری موثر است. در حوزه اقتصادی- سرمایه گذاری، آراء صاحب‌نظران متاخر طراحی شهری به ویژه اواخر قرن بیستم تا کنون (از جمله مدنی پور (۱۹۹۶)، استنبرگ (۲۰۰۰)، کات برت (۲۰۰۷)، لنگ (۲۰۰۵)، گاسپودینی (۲۰۰۹)، هیلیر (۲۰۰۹)، با ارجاع به صاحبنظرانی چون مارکس (۱۹۷۷)، هاروی (۲۰۰۵) مسی (۱۹۹۴) و.....، تاثیر ساختارهای اقتصادی، بر طراحی شهری را نشان می‌دهد. در این راستا، اهمیت منافع بخش دولتی، از طریق کسب درامدهای مالیاتی و منافع بخش خصوصی از طریق بازگشت سرمایه گذاری، تاکید دارد که به ندرت پروژه ای، بدون تصوراتی از هزینه- فایده‌های اقتصادی – سرمایه گذاریِ محصول طراحی شهری اجرا می‌شود. میزان اهمیت اقتصاد مکان، نسبت به سایر قلمروهای اقتصادی، نیز به طور مستقیم بر طراحی شهری، تاثیرگذار است. در حوزه حقوقی- مدیریتی، آراء صاحبنظران طراحی شهری، همچون مدنی پور (۱۹۹۶، ۲۰۰۷)، لنگ (۱۹۹۸، ۲۰۰۵)، هیلیر (۲۰۰۷) و... نشان می‌دهد سازه‌های درونی نهادهای حقوقی- مدیریتی مرتبط با طراحی شهری، معرفت شناختی و روش شناختی قوانین طراحی شهری، چگونگی ارزیابی، نظارت و انتقادهای قانونی به قوانین طراحی شهری، فرایندهای اجرایی – مدیریتی و جایگاه طراحی شهری در طرح‌ها و ساختارهای توسعه شهری، زمینه‌های جامعه گرایی یا نخبه گرایی درونی سازمان مدیریتی – حقوقی، به طور مستقیم بر طراحی شهری تاثیرگذار است (Vergara-Perucich, 2021)

بحث و نتیجه‌گیری

این مطالعه با توجه به تداوم تاریخی دگردیسی طراحی شهری، در حوزه‌های معرفت شناختی و روش شناختی که منتج از شرایط محیطی است، با این پیش فرض که فهم مساله، نیمی از جواب مساله است (Cozzolino et al., 2020)، به فهم چالشها (تردیدها) معرفت شناختی و روش شناختی طراحی شهری معاصر ایران (به عنوان گامی بنیادین در جهت ارتقاء حرفه/رشته)، پرداخته است. تحقیق، با این سوال که طراحی شهری در ایران، از بعد معرفت شناختی و روش شناختی در چه وضعیتی قرار دارد؟ آغاز می‌شود و با مطالعه‌ای نظام مند، از تحلیل‌های معرفت شناختی و روش شناختی ادبیات نظری معتبر رشته در ۵۰ سال اخیر، ۲ حوزه غیرقابل تفکیک و موثر بر طراحی شهری را شناسایی می‌کند. اول: حوزه درون مساله‌ای که شامل مفاهیمی می‌شود که از درون رشته، و با توجه به روند تکامل ماهوی و رویه ای، منتج از جریان‌های عمده اندیشه ورزی علمی، بر رویه طراحی شهری، اثر می‌گذارند و دوم: حوزه برون مساله ای، که شامل عوامل زمینه‌ای و ساختارمند موثر بر رویه‌های طراحی شهری، فارغ از محتوا و روش‌های درونی آن، می‌باشند.



تصویر ۵- تبیین شرایط معاصر معرفت شناختی و روش شناختی طراحی شهری ایران

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-28]

در تحلیل و مقایسه تطبیقی عوامل درون مساله ای، شامل: ابعاد معرفت شناختی و روش شناختی(ماهوی و رویه ای) به این نتیجه می‌رسد که در زمانی که ادبیات ۵۰ سال اخیر طراحی شهری در بعد معرفت شناختی: در حوزه هدف، تکاملی از بینش بصـری – عملکـردی بـه ادراکـی– اجتماعی و سپس به مدیریتی – مشارکتی، در حوزه مقیاس، تکاملی از مقیاس خرد، به میانی، کلان و سپس چند سطحی، در حـوزه تخصـص پایه، تکاملی از معماری– برنامه ریزی، به میان رشته‌ای و سپس به طراحی غیر مستقیم، در حوزه گستره مداخله، تکـاملی از عـدم مداخلـه تـا مداخله در ساختارهای اصلی، و سپس مداخله حداکثری دولت در تمامی وجـوه و در نهایـت بـه مداخلـه حـداقلی دولـت بـا محوریـت بخـش خصوصی، داشته و در بعد روش شناختی نیز، در حوزه فرایند، تکاملی از روندی خردگرا – خلاقانه، به فرایند بازخوردی– راهبردی و سـپس بـه فرایند مشارکتی– مدیریتی، در حوزه روش، تکاملی از فردگرایی به جامعه گرایی، در حوزه محصول، تکاملی از قطعی گرایی به سیاست گرایی و در حوزه تصمیم سازی، تکاملی از بخش دولتی، به مشارکت دولتی – خصوصی و در نهایت به محوریت بخش خصوصی داشته است، طراحـی شهری کنونی ایران از بعد معرفت شناختی، هدفی: بصری– عملکردی، مقیاسی: خرد و منطقه ای، تخصص پایه ای: معماری– برنامـه ریـزی، گستره نفوذ: عدم مداخله تا مداخله در ساختارهای اصلی و از بعد روش شناختی، فرایندی: خردگرا گرا تا بازخوردی– راهبردی، روشی: فرد گرا، محصولی: قطعی، و حوزه تصمیم سازی آن، بخش دولتی می‌باشد. بنابراین فاصله‌ای آشکار با ادبیات معاصر طراحی شـهری، در آن تشـخیص داده می‌شود (نمودار ۵).

پی‌نوشت

1. Substantive.
2. Procedural
3. محمد معین، فرهنگ فارسی
4. Webster
5. Challenge
6. Webster’s Dictionary, New York, 1968
7. a defiance
8. a call to combat
9. BBC (English Dictionary), London, 1993
10. A Challenge is something new and difficult which will require great effort and determination. A Challenge to something is a questioning of its truth, value, or authority.
11. Demonstrability
12. Normative.
13. Definition of Urban Design
14. Private-property Decision Makers and the Quality of Urban Design.
15. Post Modernism Urbanism
16. Collage city.
17. Concepts of urban design.
18. Finding the lost space-theories of urban design.
19. Emerging concepts in urban space design.
20. A Theory of Good City Form
21. Urban Space
22. A New Theory of Urban Design
23. The Social Logic of Space

منابع

- Alexander, C. (1964). *Notes on the Synthesis of Form* (Vol. 5). Harvard University Press.
- Alexander, C. (1977). *A pattern language: towns, buildings, construction*. Oxford university press.
- Alexander, C., Neis, H., Anninou, A., & King, I. (1987). *A new theory of urban design* (Vol. 6). Center for Environmental Struc.
- Appleyard, D. (1980). Livable streets: protected neighborhoods? *The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science*, *451*(1), 106-117.
- Ataman, C., & Tuncer, B. (2022). Urban interventions and participation tools in urban design processes: a systematic review and thematic analysis (1995–2021). *Sustainable Cities and Society*, *76*, 103462.
- Bacon, E, N. (1967). *The Design of Cities*. New York - MIT Press.
- Banham, R. (2009). *Los Angeles: The architecture of four ecologies*. Univ of California Press.
- Barnett, J. (2013). Urban Design, the Composition of Complexity.
- Barnett, J., & Jones, B. L. (1982). *An introduction to urban design* (pp. 260-260). New York: Harper & Row.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-28]

- Barnett, J. (2014). Do Not Define Urban Design Too Narrowly. *Journal of Urban Design*, *19*(1), 49-52.
- Bentley, I. (2004). *Urban transformations: Power, people and urban design*. Routledge.
- Broadbent, G. (1990). Emerging concepts in urban space design (2001 reprint ed.). *Oxon: Taylor & Francis*.
- Broadbent, G. (2003). Emerging concepts in urban space design.
- Buchanan, C. (1963). Traffic in towns: the Buchanan report.
- Carmona, M. (2020). To truly 'live', urban design needs accessible interdisciplinary research. *Journal of Urban Design*, *25*(1), 5-9.
- Carmona, M. (2014). The place-shaping continuum: A theory of urban design process. *Journal of Urban Design*, *19*(1), 2-36.
- Carmona, M. (2010). *Public places, urban spaces: the dimensions of urban design*. Routledge.
- Chermayeff, S., & Alexander, C. (1963). *Community and privacy: Toward a new architecture of humanism* (Vol. 474). Garden City, NJ: Anchor Books, Doubleday.
- Christian, N. S. (1979). Genius loci. *Paysage, ambiance, architecture (trad. de*, 1981-21.
- Coleman, J. S. (1988). Social capital in the creation of human capital. *American journal of sociology*, *94*, S95-S120.
- Cowan, S., & Gordon, I. (1993). *Industrial land demand in London*. LPAC.
- Cowan, R. (2002). *Urban Design Guidance: urban design frameworks, development briefs and master plans*. Thomas Telford.
- Cozzolino, S., Polívka, J., Fox-Kämper, R., Reimer, M., & Kummel, O. (2020). What is urban design? A proposal for a common understanding. *Journal of Urban Design*, *25*(1), 35-49.
- Cullen, G. (1961). The Concise Townscape (London: Reed Educational and Professional Publishing).
- Cullen,G.(1961). Townscape. London. The Architectural Press.
- Cuthbert, A. R. (2007). Urban design: requiem for an era–review and critique of the last 50 years. *Urban Design International*, *12*, 177-223.
- Cuthbert, A. (2010). Whose urban design?
- Danneels, K. (2021). *From sociobiology to urban metabolism: the interaction of urbanism, science and politics in Brussels, (1900-1978)* (Doctoral dissertation, University of Antwerp).
- De Jorge-Huertas, V., & De Jorge-Moreno, J. (2022). Mapping urban design literature: A network-based approach. *Spatium*, 75-83.
- Dehkhoda, A. A. (1998). *Dehkhoda dictionary*. Tehran University publication institute, Tehran.
- Dictionary, M. W. (2006). Merriam-webster, incorporated. *Online version available at: www. mw. com*.
- Dictionary, O. E. (2002). Concise oxford english dictionary.
- Dovey, K. (2014). *Framing places: Mediating power in built form*. Routledge.
- Ejlali, P, Rafieian,M , Asgari,A.(2013). *Planning Theory: Traditional and New Perspectives*.Tehran.Agah.
- Ellin, N. (1996). *Postmodern urbanism* "Princeton Architectural Press.
- Gehl, J. (1987). Life between buildings: using public space.
- Golkar, K. (1999). Urban Design Theories: Analysis of Cognitive Theories, *Sofeh Journal*.No29.16-33.
- Golkar, K. (1999). An Investigation into The Definition of Urban Design. Research and Studies Center of Planning and Architecture.Tehran.
- Goodey, B. (1993). Urban Design of Central Areas and Beyond. In *Making Better Places* (pp. 53-58). Butterworth-Heinemann.
- Gosling, D., & Gosling, M. C. (2003). *The evolution of American urban design*. Wiley-academy.
- Gosling, D. (1984). Definitions of urban design. *Architectural Design*, *54*(1-2), A16-A25.
- Gosling, D., & Maitland, B. (1984). *Concepts of urban design*.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-28]

- Halprin, L. (1963). CITIES. The MIT Press
- Halprin, L. (1969). The RSVP cycles: creative processes in the human environment. George Braziller. *Inc., New York*.
- Harvey, D. (2005). *A brief history of neoliberalism*. Oxford University Press.
- Aughton, G., & Hunter, C. (1994). Sustainable Cities, Regional Policy and Development Series 7. *Jessica Kingsley*.
- Hillier, B. (2007). *Space is the machine: a configurational theory of architecture*. Space Syntax.
- Hillier, B., & Hanson, J. (1989). *The social logic of space*. Cambridge university press.
- Jacobs, J. (1961). The Death and Life of Great American Cities (New York: Random). *Versión castellana (1967) Muerte y vida de las grandes ciudades. Madrid: Península*.
- Katz, P. (1994). *The New Urbanism. Toward an architecture of community*.
- Krier, R. (1979). Urban Space, New York: Rizzoli. *Transl. C. Czehowski*.
- Lang, J. (2014). Comments on 'the place shaping continuum: A theory of urban design process'. *Journal of Urban Design*, *19*(1), 41-43.
- Lang, J. (1994). *Urban design: the American experience*. John Wiley & Sons.
- Lang, J. T. (2005). Urban design: a typology of procedures and products (1st éd.). *Oxford: Elsevier/Architectural Press. UdeM Amenag. NA*, *9031*, L36.
- Lee, J. (2022). A multi-scale perspective on production of space: A critical review of urban design. *Cities*, *121*, 103497.
- Lynch, K., & Hack, G. (1971). *Site planning*. MIT press.
- Lynch, K. (1960). *Image of the City*. MIT press.
- Lynch, K. (1984). *Good city form*. MIT press.
- Lynch, K. (1976). Managing the Sense of a Region, 3rd printing. *Cambridge.*
- Lynch, K. (1984). The immature arts of city design. *Places*, *1*(3).
- Madanipour, A. (1996). Design of urban space: An inquiry into a socio-spatial process.
- Madanipour, A. (1997). Ambiguities of urban design. *The Town Planning Review*, 363-383.
- Madanipour, A. (2003). *Public and private spaces of the city*. Routledge.
- March, L., & Steadman, P. (1971). Spatial allocation procedures. *The Geometry of Environment*, 303-317.
- Marx, K. (1977). *Critique of Hegel's' Philosophy of right'*. Cambridge University Press.
- Massey, D. (1994). Space, place, and gender. University of Minnesota Press. *Minneapolis MN*.
- McHarg, I. L., & American Museum of Natural History. (1969). *Design with nature* (pp. 7-17). New York: American Museum of Natural History.
- Moeen, M. (2004). Moeen dictionary. Amirkabir publications. Tehran.
- Monclús, J., & Díez Medina, C. (2018). Modern Urban Planning and Modernist Urbanism (1930–1950). *Urban Visions: From Planning Culture to Landscape Urbanism*, 33-44.
- Monclús, J., Díez Medina, C., & García-Pérez, S. (2018). Modernist mass housing in Europe: Comparative perspectives in Western and Eastern Cities (1950s–1970s). *Urban Visions: From Planning Culture to Landscape Urbanism*, 67-78.
- Mumford, E. (2018). *Designing the modern city: Urbanism since 1850*. Yale University Press.
- Mumford, L. (1961). *The city in history: Its origins, its transformations, and its prospects* (Vol. 67). Houghton Mifflin Harcourt.
- Newman, O. (1973). *Defensible space: Crime prevention through urban design*. New York: Collier Books.
- Proshansky, H. M., Ittelson, W. H., & Rivlin, L. G. (Eds.). (1970). *Environmental psychology: Man and his physical setting* (pp. 21-26). New York: Holt, Rinehart and Winston.
- Rapoport, A (1977). *Human aspects of Urban: Towards a Man-Environment Approach to Urban Form and Design*. University of Wisconsin-Milwaukee.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-28]

- Rhee, P. (2021, October). The Responsive Environment: Design, Aesthetics, and the Human in the 1970s. In *Buildings & Landscapes: Journal of the Vernacular Architecture Forum* (Vol. 28, No. 2, pp. 128-130). University of Minnesota Press.
- Rossi, A. (1982). The Architecture of the City. Cambridge (Mass.).
- Rowe, C., & Koetter, F. (1984). *Collage city*. MIT press.
- Rowley, A. (1998). Private-property decision makers and the quality of urban design. *Journal of Urban Design*, *3*(2), 151-173.
- Rudofsky, B (1964). *Architecture without Architects: A Short Introduction to Non-Pedigreed Architecture*. The New York Times.
- Rudofsky, B. (1969). Streets for People. Garden City, New York.
- Schrijver, L. (2016). Transatlantic crossings: new forms of meaning in the city of the 1970s. *Planning Perspectives*, *31*(1), 103-113.
- Sitte, C. (1889). City planning according to artistic principles. In *Camillo Sitte: The birth of modern city planning* (pp. 129-332).
- Sommer, R. (1969). Personal Space: the behavioral basis of design Prentice Hall. *Englewood Cliffs New Jersey*.
- Southworth, M. (1989). Theory and practice of contemporary urban design: a review of urban design plans in the United States. *The Town Planning Review*, 369-402.
- Spriergen, P, D (1965). Urban Design. Architecture of Towns and Cities. New York. McGraw-Hill. The University of Michigan.
- Stein, C. (1955). Notes on urban design. *unpublished paper, University of Pennsylvania (mimeographed)*.
- Tibbalds, F. (1992). Making People Friendly Towns (Harlow, Longman).
- Townshend, T. G. (2020). Urban design and human flourishing. *Journal of Urban Design*, *25*(2), 181-185.
- Trancik,R.(1986). Finding Lost Space. Theories of urban design. New York. Van Nostrand Reinhold.
- Vergara-Perucich, J. F. (2021). Urban design as a form of agonistic democratic expression. *Space and Culture*, *24*(4), 456-472.
- Venturi, R., Brown, D. S., & Izenour, S. (1977). *Learning from Las Vegas, revised edition: the forgotten symbolism of architectural form*. MIT press.
- Violich, F. (1983). 'Urban Reading'and the design of small urban places: The village of Sutivan. *The Town Planning Review*, *54*(1), 41-62.
- Webber, M (1964). *The urban place and the nonplace urban realm*. Pennsylvania.
- Webster. (1999). *Webster's II new college dictionary*. Houghton Mifflin Harcourt.
- Woods, M. (2021). Punk urbanism: insurgency, crisis, and cultural geography. *Social & Cultural Geography*, *22*(5), 666-685.
- Zucker, P. (1959). *From the Agora to the Village Green*. Columbia University Press.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-28]

Analytical chronological model of urban design transformation in Iran

Maryam Farahani*, Assistant Professor, Architecture and Urbanism, Tehran Art University.
Aida Esmaeilzadeh Seilabi, University of Tehran, College of agriculture and natural resources, Faculty of agriculture science and engineering, Department of horticultural science and landscape.

Received: 2022/7/8 *Accepted: 2022/9/13*

Extended abstract

Introduction: This research aims to present an analytical-chronological model of the transformation of contemporary urban design in Iran, i.e., it was formed from the time of the widespread influence of Western urban design thinking and literature into Iran (around 1310 AH, at the same time as the municipal law was re-approved). There are two types of problems in planning, one is related to the better understanding of what we are planning about, and the second is related to the planning method, regardless of its subject, and for this reason, two types of planning theories can be predicted. First, the substantive theory or the subject that deals with the essence and subject of planning, and the second is the process theory or the method that deals with the methods used by planners to perform the task. The separation of urban design into 2 inseparable areas, epistemological and methodological, has been recognized because the analysis of the challenges of contemporary urban design in Iran becomes more possible through the examination of its components. On this basis and with the premise that the contemporary urban design of Iran has undeniable shortcomings in both areas and the most important reasoned objectivity is the inappropriate space/location of Iranian cities.

Methodol: This study has investigated the advanced and late theoretical works of urban design in 50 years of the field's literature with the method of meta-analysis and content analysis. 8 domains, including goal, scale, basic expertise, scope of intervention, process, method, product and decision-making area, have been identified as the most challenging issues in terms of quantity and quality in urban design literature. In the following, with the method of content analysis, we have analyzed the aforementioned indicators in the 3 realms of laws and regulations, urban design projects and experts' opinions in Iran.

Results: The results show that the current urban design of Iran from the epistemological dimension has a visual-functional goal, micro and regional scale, architectural-planning basic expertise and the range of influence from non-intervention to intervention in the main structures. From the methodological aspect, it also has a rational and feedback-strategic process, an individual-oriented method, and a definitive product and the decision maker is the government sector.

Conclusion: There is an obvious gap between contemporary urban design literature and what is going on practically in Iran. This study, considering the historical continuity of the transformation of urban design in the epistemological and methodological fields that result from environmental conditions, tries to understand the epistemological and methodological challenges of contemporary urban design in Iran. The research begins with the question of what is the state of urban design in Iran, and with a systematic study of the epistemological and methodological analyzes of the literature of valid theories of the field in the last 50 years identifies 2 inseparable areas in urban design. First, the field within the subject, which includes concepts that have an effect on an urban design from within the discipline. Second, the field outside the subject, which are the background factors and structure design, including urban procedures, content and internal methods.

Keywords: chronological model, urban design transformation, Iran.

* Corresponding Author's E-mail: m.farahani@art.ac.ir

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-28]